استناد به این مقاله: ارسطوپور، شعله، فتاحی، رحمت الله، پریرخ، مهری(۱۳۹۰). دسته‌بندی و اصطلاح‌شناسی آثار وابسته در خانواده شاهنامه فردوسی برپایه الگوی ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی از دیدگاه کاربران فهرست‌های رایانه‌ای. پژوهش‌نامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۱ (۲)، ۷۷–۹۸.

دسته‌بندی و اصطلاح شناسی آثار وابسته در خانواده شاهنامه فردوسی برپایه الگوی ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی از دیدگاه کاربران فهرست‌های رایانه‌ای

دکتر شعله ارسطوپور[۱]، دکتر رحمت الله فتاحی[۲]، دکتر مهری پریرخ[۳]

دریافت:۱۳۹۰/۳/۱۰، پذیرش:۱۳۹۰/۴/۵

چکیده

هدف: *نگرش کاربران بالقوه و افراد غیر کتابدار به انواع آثار مرتبط با یک خانواده کتابشناختی، با وجود اهمیت بسیار، کمتر مورد توجه پژوهش‌های مرتبط با پیاده‌سازی الگوی ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی بوده است. پژوهش حاضر در پی بررسی مهمترین عناصر اطلاعاتی و نیز نحوه نگرش کاربران بالقوه فهرست‌های رایانه‌ای به خانواده‌های کتابشناختی و موجودیت‌های آنها است.*

روش: *با استفاده از روش پژوهش ترکیبی با ۳۰ نفر از متخصصان برجسته شاهنامه پژوه مصاحبه به عمل آمده و از آنها خواسته شد تا با استفاده از روش توزیع کارت به دسته‌بندی ۴۰ کارت کتابشناختی تنظیم‌شده بر مبنای الگوی ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی بپردازند. سپس از آنها خواسته شد تا نامی برای هر یک از دسته‌های تشکیل شده انتخاب کرده و در مورد آن دسته توصیف و ارزیابی خود را ارائه کنند. درنهایت ۱۱ دسته بر مبنای نظرات مصاحبه-شوندگان تشکیل گردید و هر یک از دسته‌ها با توجه به فراوانی اصطلاح‌های به کار رفته در توصیف آنها مورد تحلیل قرار گرفت.*

یافته‌ها: *حاصل این تحلیل، مشخص شدن ۱۱ درختواره کوچک برای هر یک از ۱۱ گروه تشکیل شده بود که پس از ادغام، درختواره کلی خانواده کتابشناختی شاهنامه تشکیل و به شکل یک الگو ارائه گردید.*

کلیدواژه‌ها: *خانواده کتابشناختی؛ شاهنامه فردوسی؛ الگوی ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی؛ درختواره کتابشناختی؛ موجودیت‌های کتابشناختی*

[۱]. عضو هیأت علمی مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری arastoopoor@ricest.ac.ir

[۲]. استاد گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه فردوسی مشهد fattahi@ferdowsi.um.ac.ir

[۳]. استاد گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه فردوسی مشهد parirokh@ferdowsi.um.ac.ir

مقدمه

یکی از مهمترین و مطلوب‌ترین قابلیت‌هایی که متخصصان سازماندهی اطلاعات برای به عینیت درآوردن آن تلاش کرده و می‌کنند، گردآوردن همه آثار مرتبط بهم در کنار یکدیگر و نمایش آنها با یک نظم معنادار می‌باشد. این کار در نهایت منجر به ارائه ساختواره‌ای روشن از کلیه آثار مرتبط بهم می‌شود که نه تنها به امر بازیابی کمک می‌کند بلکه امکان پیمایش بهتر و مؤثرتر در میان پیشینه‌های کتابشناختی را به وجود می‌آورد. کارکرد پیمایش برای اولین بار توسط سونونیوس (Svenonius, 2000) مورد اشاره قرار گرفته و بعدها در بیانیه مجموعه قواعد بین المللی فهرستنویسی مطرح گردید. دلیل توجه به این ویژگی آن است که کاربران معمولاً بدون توجه به مدرکی خاص به سراغ فهرست رایانه‌ای می‌روند. بنابراین، وجود ساختواره‌ای منطقی از آثار مرتبط بهم می‌تواند به آنها در مسیریابی و یافتن منبع مورد نیاز کمک کند. این درحالی است که شناسایی روابط کتابشناختی و لزوم توجه به آنها در سازماندهی منابع، موضوع برخی پژوهش‌ها قرار گرفته است. در این راستا، تلاش‌های بسیاری صورت گرفته است که از آن میان می‌توان به پژوهش‌های یی (Yee, 1994; 1995; 1997)، هگلر (Hagler, 1997[a,b])، فتاحی (۱۳۷۹; 1996)، ولوچی (Vellucci, 1997) و کارلایل (Carlyle, 1996; 1997) اشاره کرد. الگوی ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی (FRBR[1])، تلاشی از بعد مفهومی در جهت تبیین و تعیین حداقل کارکردهای[2] پیشینه‌های کتابشناختی به منظور افزایش اثربخشی، انسجام ساختاری فهرست‌ها و بالا بردن قابلیت تعامل میان آنها به شمار می‌آید. این الگو گامی نو در جهت اصلاح ساختاری فهرست‌های رایانه‌ای با توجه به محتوا و کارکرد واقعی پیشینه‌های کتابشناختی در پیوند با فعالیت‌های کاربران محسوب شده و صاحب‌نظران حوزه فهرستنویسی و دست‌اندرکاران طراحی فهرست‌های رایانه‌ای انتظار دارند با استفاده از ویژگی‌ها و ساختار این الگو، مشکل گردهم‌آوری و ارائه نظمی منطقی در نمایش نتایج بازیابی آثار مرتبط بهم در فهرست‌های رایانه‌ای را تا حد ممکن برطرف کنند.

با نگاهی به پژوهش‌ها و فعالیت‌های انجام شده در حوزه همخوان‌سازی فهرست‌های رایانه‌ای با این الگو، یکی از رویکردهای اساسی "رویکرد تطبیقی" است (ارسطوپور، ۱۳۸۹[الف]). هدف رویکرد تطبیقی استفاده از قابلیت‌های فعلی فهرست‌های رایانه‌ای و بویژه استفاده از پیشینه‌های مارک برای تطبیق دادن فهرست‌های رایانه‌ای کنونی با الگوی ملزومات کارکردی و رسیدن به کارایی بیشتر است، رویکردی که توجه صاحب‌نظران بسیاری را به خود جلب کرده است (Such as Yee, 2005; and Dickey, 2008).

---

1 . Functional Requirements for Bibliographic Records
2 . Minimum Functionality

دلیل تمایل به رویکرد تطبیقی آنست که میلیون‌ها پیشینه مارک در فهرست‌های رایانه‌ای کنونی موجود است که طی سال‌ها تدوین و تهیه شده‌اند و باید از آنها در همین شکلی که وجود دارند بیشترین بهره را برد. با وجود این، آنچه تاکنون بیشتر در قالب طرح‌های پژوهشی مختلف در سطح بین‌المللی صورت پذیرفته، فراتر از تطبیق پیشینه‌های مارک بر الگوی ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی (از طریق تطبیق فیلدهای مارک بر موجودیت‌های مختلف الگو) و ایجاد تغییرات بنیادین در ساختار نمایش پیشینه‌های بازیابی شده برمبنای همین مطالعات انطباقی نبوده است. برای نمونه، می‌توان به تلاش OCLC در طراحی فهرست Fiction finder[1]، و موارد دیگر همچون FRBR Display Tool توسط کتابخانه کنگره، و یا نرم‌افزار VTLS اشاره کرد. به بیان بهتر، با وجود اهمیت دیدگاه‌های کاربران فهرست‌های رایانه‌ای، کمتر پژوهشی امکان پیاده‌سازی این انطباق را از دیدگاه کاربر نهایی مورد بررسی قرار داده است. بنابراین، در بررسی‌های صورت گرفته، مشخص نگردیده است که کاربران فهرست‌های رایانه‌ای چگونه به رابطه میان آثار و دسته‌بندی آنها می‌اندیشند تا براساس آن بتوان به بازنگری در ساختار پیشینه‌های کتابشناختی (فرمت مارک) و نیز طراحی ساختار فهرست‌های رایانه‌ای در بخش محیط رابط (جستجو، بازیابی، و نمایش اطلاعات) کمک کرد. پاسخ به این مسأله، زمانی که فهرستنویسان و طراحان فهرست‌های رایانه‌ای قصد بازنگری در ساختار پایگاه اطلاعاتی و محیط رابط کاربر را برمبنای الگوی ملزومات کارکردی و با هدف معنابخشی داشته باشند، اهمیتی دوچندان می‌یابد. بر این اساس، پژوهش حاضر به واکاوی دیدگاه‌های کاربران بالقوه فهرست‌های رایانه‌ای بر مبنای الگوی پیش‌گفته در مورد خانواده کتابشناختی شاهنامه (به منزله یک پژوهش موردی[2]) می‌پردازد. در چنین مسیری، پژوهشگر از دیدگاه کاربران متخصص در زمینه اولویت‌بندی موجودیت‌های کتابشناختی (به‌عنوان اعضای خانواده کتابشناختی فارسی) و نیز بهترین روش دسته‌بندی و تعریف روابط میان این موجودیت‌ها و مصادیق آنها آگاه می‌شود.

پرسش‌های پژوهش

در این راستا، پژوهش حاضر در پی پاسخ به دو پرسش بنیادی است:

---

1. http://fictionfinder.oclc.org/ لازم به توضیح است هم اکنون این فهرست به صورت موقت غیر فعال است

2. Case study

۱. کاربران بالقوه فهرست‌های رایانه‌ای برای دسته‌بندی موجودیت‌های کتابشناختی شاهنامه فردوسی به کدام اصطلاح‌های مبتنی بر نوع آثار مورد نظر خود و نیز به کدام فیلدها در پیشینه کتابشناختی توجه می‌کنند؟

۲. کاربران بالقوه فهرست‌های رایانه‌ای از چه اصطلاح‌هایی برای نام‌گذاری هر یک از دسته‌های زیرمجموعه خانواده کتابشناختی شاهنامه استفاده می‌کنند؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کاربردی و با روش ترکیبی[۱] انجام گرفته است. بر این اساس، با استفاده از روش پیمایشی (از طریق توزیع کارت میان جامعه پژوهش)[۲] و مطالعه سندی به گردآوری اطلاعات مورد نیاز پرداخته شد. در این بررسی، *شاهنامه فردوسی* و انواع آثار وابسته به آن به منزله نمونه‌های مورد مطالعه انتخاب شدند. بدین منظور، مصاحبه‌هایی با حضور ۳۰ نفر از متخصصان و صاحب‌نظران[۳] مطرح در حوزه شاهنامه‌پژوهی برگزار گردید و از آنها خواسته شد تا ۴۰ کارت حاوی اطلاعات کتابشناختی[۴] آثار وابسته به خانواده شاهنامه را با توجه به تجربه و دانش خود دسته‌بندی نمایند. در حین انجام کار دسته‌بندی، از مصاحبه‌شوندگان خواسته شد تا دلایل خود را برای قرار دادن کارت‌ها در دسته‌های مختلف توضیح دهند. لازم به توضیح است این ۴۰ کارت برپایه مصادیق مختلف چهار موجودیت تعریف شده در الگوی FRBR

---

[۱]. طرح‌های پژوهشی ترکیبی، روشهایی هستند که طی آنها پژوهشگر با گردآوری، تحلیل و ترکیب اطلاعات کمی و کیفی در پی پاسخ به پرسش‌های پژوهشی خود است (سفیری، ۱۳۸۷؛ فلیک، ۱۳۸۲).

[2]. Card Sorting

[۳] منظور از متخصصان و صاحب‌نظران، افراد صاحب نام و یا دارای دانش بالا در حوزه مورد بررسی است. به منظور یافتن چنین افرادی در این پژوهش از روش نمونه‌گیری گلوله برفی (افزایشی، یا هم‌افزایشی) (رجوع شود به فلیک، ۱۳۸۲) استفاده شد. هسته اولیه، اعضای هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد بوده و به منظور آشنایی با سایر صاحب نظران، بسته به پیشنهاد افراد برجسته توسط این افراد در هر حوزه عمل شد. لازم به توضیح است در دانشگاه فردوسی مشهد، قطب ادبیات با تخصص در حوزه شاهنامه پژوهی وجود دارد به همین دلیل آن دسته از اعضای هیات علمی که در حوزه شاهنامه پژوهی در دفتر قطب فعالیت داشتند، به منزله هسته اولیه انتخاب شدند. بدیهی است اعضای هیات علمی دیگر این گروه که در حوزه شاهنامه پژوهی تحقیق نمی‌کردند از دایره این هسته اصلی خارج شدند.

[۴]. اطلاعات کتابشناختی ارائه شده روی این کارتها پس از بررسی خانواده کتابشناختی اثر مورد بررسی به صورت برچسبی تدوین شد. در نهایت مجموعه‌ای از ۴۰ کارت که هر گروه ۱۰ تایی از کارتها –طبق تعریفها و مثالهای ارائه شده –نشان دهنده یکی از موجودیتهای کتابشناختی مطرح در الگوی ملزومات کارکردی ایفلا باشد تدوین گردید.

یعنی اثر، بیان، قالب و مدرک[1] تدوین شده و لذا منطقاً دسته‌بندی این کارت‌ها و توضیحات مصاحبه‌شوندگان به صورت غیر مستقیم به موجودیت‌های الگوی ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی اشاره داشت.

در توجیه استفاده از صاحب‌نظران معتبر به منزله کاربران بالقوه فهرست‌های رایانه‌ای، بایستی به این نکته اشاره کرد که پژوهش حاضر از اولین گام‌ها در زمینه همخوان‌سازی الگوی ملزومات کارکردی با دیدگاه کاربران فهرست‌های رایانه‌ای به شمار می‌آید، لذا برای بنیان نهادن پایه‌ای علمی برمبنای نظر متخصصان، جامعه آماری پژوهش را متخصصان حوزه شاهنامه‌پژوهی تشکیل می‌دهند. در پژوهش حاضر، با توجه به رویکرد ترکیبی، و نیز بر اساس توصیه متون روش تحقیق و آنچه عملاً در پژوهش‌های مشابه استفاده شده، حجم نمونه ۳۰ نفر برای متخصصان شاهنامه‌پژوه در نظر گرفته شد و، همانگونه که پیشتر اشاره شد، از هر یک آنها خواسته شد تا ۴۰ کارت دارای اطلاعات کتابشناختی مربوط به آثار وابسته به شاهنامه را با توجه به دانش زمینه‌ای خود، دسته‌بندی نموده و عنوان مناسبی برای هر گروه و زیرمجموعه‌های احتمالی آن انتخاب کنند.

تحلیل یافته‌ها

به منظور تحلیل یافته‌ها ابتدا داده‌های اولیه وارد نرم‌افزار SPSS گردید و سپس با استفاده از فرمول خوشه‌بندی وارد[2] دسته‌بندی مصاحبه‌شوندگان مختلف تجمیع و ۱۱ خوشه به صورت نهایی شناسایی شد. سپس متن مصاحبه‌های ثبت شده در پیوند با کارت‌های هریک از خوشه‌ها مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت به پرسش‌ها پاسخ داده شد.

هدف پرسش اول، شناسایی فیلدهای اثرگذار بر تصمیم‌گیری مصاحبه‌شونده در مورد قرار دادن هر کارت در یک دسته خاص می‌باشد. به عبارت بهتر، آن دسته از فیلدهایی که اطلاعات آنها منطقاً کمک بیشتری به مخاطب در جهت شناسایی مصادیق مختلف یک موجودیت می‌کند، هدف اصلی این پرسش قرار گرفت. به منظور شناسایی اثرگذارترین فیلدهای کتابشناختی از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان، هم‌زمان با انجام دسته‌بندی، از مصاحبه‌شوندگان خواسته شد تا مشخص نمایند کدام فیلد از دیدگاه آنها بیشترین نقش را در دسته‌بندی کارت‌های کتابشناختی مختلف در گروه‌های مورد نظر داشته است. جدول ۱ خلاصه‌ای از یافته‌های حاصل از این بررسی را ارائه می‌کند.

---

1. Work, Expression, Manifestation, Item
2. Ward Clustering Method

جدول ۱. توزیع فراوانی فیلدهای دربرگیرنده اصطلاح‌های مهم برای دسته‌بندی کارت‌های کتابشناختی شاهنامه (اعضای خانواده) در گروه‌های مختلف

فیلدها	عنوان	موضوع	توضیحات	پدیدآور	ناشر
فراوانی(n= ۳۰)	۳۰	۲۴	۱۵	۴	۲
درصد (از ۱۰۰٪)[1]	٪۱۰۰	٪۸۰	٪۵۰	٪۱۳	٪۶

از یک نگاه، پاسخ‌های ارائه شده در واقع می‌توانند نشان دهنده دیدگاه استفاده‌کنندگان نسبت به غنی‌ترین فیلدها از نظر ارائه اطلاعات در مورد اعضای خانواده کتابشناختی باشند. در پیوند با نتایج ارائه شده در جدول ۱، اشاره به چند نکته ضروری است. نخست آنکه در برخی از موارد مصاحبه‌شوندگان با نگاهی به فیلد عنوان، پی به موضوع یا محتوای مدرک برده و به سایر عناصر کارت‌های کتابشناختی مراجعه نمی‌کنند. آنها در پیوند با این مسأله، اشاره به آشنایی با منابع معرفی شده روی کارت‌های کتابشناختی داشته و از این آشنایی با عنوان "دانش شخصی" یاد می‌کنند. تقریباً تمام مصاحبه‌شوندگان با وجود اینکه ملاک دسته‌بندی خود را بر محتوا قرار داده بودند، در پیوند با کارت‌های کتابشناختی حاوی اطلاعات منابع غیرمکتوب، به بخش دوم عنوان، آنجا که توضیحگر اضافه شده توسط فهرست‌نویس بین دو قلاب([]) قرار گرفته است اشاره کرده و کلیدواژه‌های ارائه شده در این قسمت اعم از "کتاب گویا"، "عکس"، "نقشه"، "نسخه خطی" و موارد دیگر را نیز اطلاعاتی ارزشمند دانسته‌اند. در همین راستا، مطالعاتی که به بررسی انطباقی موجودیت‌های الگو بر فیلدهای مختلف مارک می‌پردازند (همچون Delsey, 2002) نیز کارکرد مشابهی داشته و در واقع در پی تشخیص آن دسته از عناصر اطلاعاتی هستند که می‌توانند در شناسایی یک موجودیت هنگام پیاده‌سازی الگوی ملزومات کارکردی کمک کنند. اما تفاوت آنچه در این جدول ارائه شده است، در آن است که آن دسته از فیلدهایی را به نمایش می‌گذارد

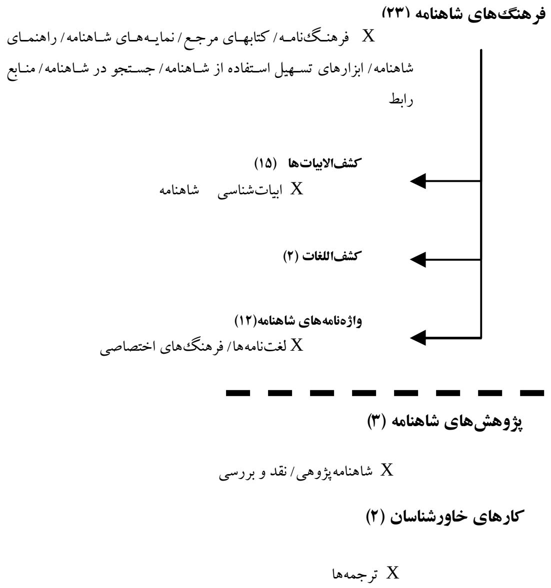
[1]. طی بررسی از مصاحبه‌شوندگان خواسته شد تا فیلدهای تأثیرگذار برای شناسایی و دسته بندی کارتها در گروه‌های مختلف را مشخص نمایند. بدیهی است به این منظور، امکان انتخاب چند فیلد در آن واحد برای این افراد میسر بوده است. به همین دلیل درصدهای ارائه شده در هریک از خانه های سطر دوم جدول، همانگونه که در خود جدول نیز مطرح شده است، از ۱۰۰ محاسبه شده است.

که در جهت تعریف موجودیت‌های مختلف برای کاربران قابل استفاده است.

پرسش دوم به بحث اصطلاح‌شناسی مورد نظر صاحب‌نظران به منزله کاربران بالقوه فهرست‌های رایانه‌ای در حوزه ادبیات و به ویژه در پیوند با خانواده کتابشناختی شاهنامه می‌پردازد. به این منظور، ساختواره‌های اصطلاح‌شناختی مربوط به هر ۱۱ دسته شناسایی شده، تشکیل گردید. به طور منطقی به منظور شناسایی اصطلاح توصیف کننده هر گروه از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان، از میان کلیه اصطلاح‌های پیشنهاد شده با توجه به بسامد هر اصطلاح، توصیفگر دسته انتخاب شد. در پیوند با انتخاب اصطلاح رأس و زیرمجموعه‌های آن (مواردی که پس از X مطرح شده‌اند) بایستی به این نکته توجه کرد که مصاحبه-شوندگان در توصیف این گروه به منزله یک کلیت، از اصطلاح‌های مختلفی استفاده کرده‌اند. در مرحله اول، اصطلاح‌های پربسامد صرف نظر از درست بودن و یا اشتباه بودن اصطلاح‌ها و یا معادل بودن این اصطلاح‌ها با یکدیگر، در قسمت بالای نمودار (اصطلاح رأس و اصطلاح‌های پذیرفته نشده زیر آن) و مواردی که توصیف کننده زیر مجموعه‌ها و یا تقسیم‌های فرعی آن دسته بوده‌اند، در ذیل اصطلاح رأس با استفاده از نمودار درختی مشخص شدند. لازم به توضیح است، اصطلاح‌هایی که به منزله تقسیم‌های فرعی در یک گروه، به صورت زیر مجموعه یک اصطلاح قرار گرفته‌اند، توسط مصاحبه‌شوندگان مورد اشاره قرار گرفته‌اند. به همین دلیل سنجش فراوانی و تصمیم‌گیری برای انتخاب اصطلاح پذیرفته شده برای هر گره در نمودار، در سطح همان گره قابل بررسی است. در مرحله بعد کلیه گره‌ها با توجه به وجوه مشترک در یکدیگر ادغام شده و یک درختواره کلی برای خانواده کتابشناختی شاهنامه تدوین شده است. سپس روایی درختواره حاصل از مطالعه در اختیار ۵ نفر از صاحبنظران برجسته شاهنامه‌پژوه قرار گرفته و نظرات اصلاحی آنها نیز بر درختواره پیشنهادی اعمال گردید. در اینجا به منظور تحلیل نتایج ابتدا گروه‌های تشکیل شده تک به تک مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت درختواره کتابشناختی پیشنهادی برای خانواده شاهنامه ارائه شده است.

تحلیل‌های مرتبط با دسته اول

گروه اول با سه کارت کتابشناختی، شامل یک واژه‌نامه، یک کشف‌الابیات و یک کشف‌اللغات است که شامل مدارک متنوع از آثار مرتبط با واژه‌شناسی تا نمایه‌های شاهنامه می‌باشد. با نگاهی به آرای



تصویر ۱. ساختواره اصطلاح‌شناختی دسته اول— فرهنگ‌های شاهنامه

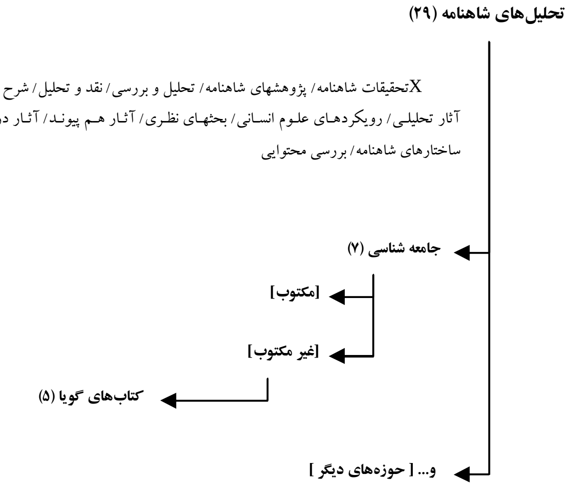
مصاحبه‌شوندگان در پیوند با لزوم دسته‌بندی مجدد و زیرمجموعه‌دار کردن این گروه– به واسطه تنوع آثار موجود در آن– ، و نیز با توجه به اینکه مصاحبه‌شوندگان بر لزوم استفاده از اصطلاح‌های "کشف‌الابیات"، "کشف‌الغات" و یا "واژه‌نامه‌ها" برای توصیف هر یک از منابع موجود در این گروه تأکید ورزیده‌اند، می‌توان ساختواره ارائه شده در تصویر ۱ را برای اصطلاحات توصیف کننده دسته اول، تنظیم نمود.

با نگاهی به تصویر ۱ و توزیع اصطلاحات به کار رفته توسط مصاحبه‌شوندگان می‌توان به این نتیجه رسید که "فرهنگ‌های شاهنامه" و پس از آن "کتاب‌ها" یا "منابع مرجع"، عنوانی است که نه‌تنها بازنمون‌کننده تنوع منابع درون دسته بوده بلکه بیشترین فراوانی را نیز داراست. فراوانی واژگانی که توسط خود مصاحبه‌شوندگان به منزله زیرمجموعه‌های گروه فرهنگ‌ها قرار داده شده‌اند می‌توان به سه اصطلاح "کشف‌الابیات"، "کشف‌اللغات" و "واژه‌نامه‌ها" اشاره کرد. ۳ نفر از مصاحبه‌شوندگان نیز نام عام‌تر "پژوهش‌های شاهنامه" را برای این گروه برگزیدند.

تحلیل‌های مرتبط با دسته دوم

دسته دوم شامل ۲ کارت، در واقع به دو ویرایش متفاوت از یک اثر وابسته یعنی "*جامعه‌شناسی خودکامگی: تحلیل جامعه شناختی ضحاک ماردوش*" اشاره دارد. با نگاهی به زمینه توزیع اصطلاح‌های

به‌کار رفته توسط مصاحبه‌شوندگان، در مورد این گروه، تنها ۵ نفر به نوع محمل، یعنی کتاب گویا، در یکی از کارتها اشاره کرده‌اند. میزان جامع‌نگری در پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان و تأکید آنها بر لزوم زیرمجموعه‌دار کردن این دسته از یک سو و فراوانی استفاده از هر یک از اصطلاح‌ها از دیگر سو، امکان تدوین ساختواره سلسله مراتبی – اصطلاح‌شناسانه ارائه شده در تصویر ۲ را فراهم می‌کند.



تصویر ۲. ساختواره اصطلاح‌شناختی دسته دوم – تحلیل‌های شاهنامه[1]

تحلیل‌های مرتبط با دسته سوم

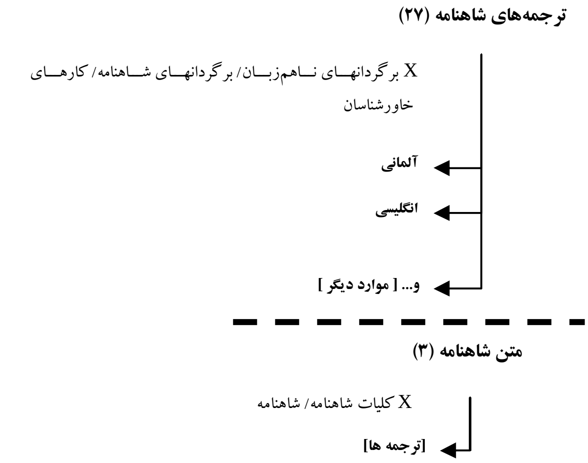
در گروه سوم، ۲ کارت که بیانگر ترجمه‌های انجام شده از شاهنامه می‌باشند، قرار گرفته اند. همانگونه که از توزیع اصطلاحات به‌کار رفته توسط مصاحبه‌شوندگان بر می‌آید، می‌توان عبارت "ترجمه‌های شاهنامه" را با فراوانی ۲۵، و قطعیت ۸۳٪ به منزله اصطلاح رأس برای گروه سوم در نظر گرفت (تصویر ۳). با توجه به تأکید زیاد مصاحبه‌شوندگان بر لزوم زیرمجموعه دار کردن این دسته برمبنای زبان‌های مختلف، و نیز با توجه به توزیع اصطلاح‌های به کار رفته توسط آنها، زبان‌های متفاوت همچون آلمانی و یا

---

۱. لازم به توضیح است که در برخی از ساختواره‌های ارائه شده همانند این تصویر، برخی از اصطلاحات داخل علامت قلاب ([]) آمده است. با توجه به موجود نبودن کارتهای معادل در گروه کارتهای کتابشناختی به منظور حفظ تقارن و نظم منطقی در تدوین ساختواره‌ها، در چنین شرایطی پژوهشگر به ناچار مواردی را در داخل قلاب به کار اضافه کرده تا ساختواره شکلی مفهومتر به خود گیرد.

انگلیسی به منزله زیرمجموعه‌های ترجمه‌های شاهنامه در نظر گرفته می‌شوند.

از یافته‌های قابل توجه در این بررسی آن است که ۳ نفر از مصاحبه‌شوندگان ترجمه‌ها را زیرمجموعه متن‌های شاهنامه در نظر گرفته‌اند.



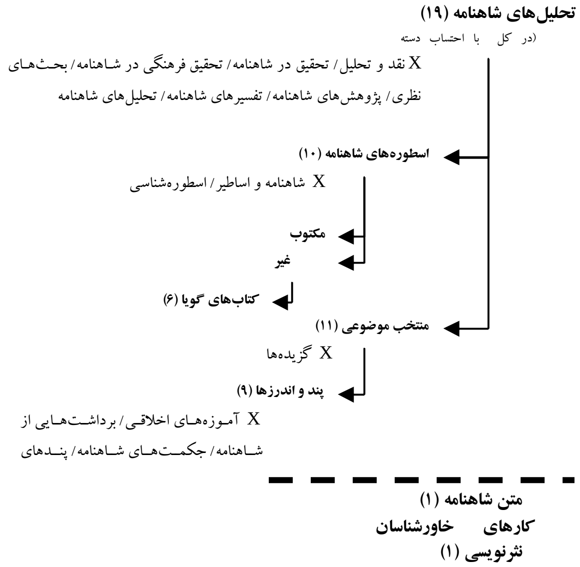
تصویر ۳. ساختواره اصطلاح‌شناختی دسته سوم – ترجمه‌های شاهنامه

تحلیل‌های مرتبط با دسته چهارم

این گروه شامل ۲ کارت بود که با نگاهی به توزیع اصطلاح‌های به کار رفته توسط مصاحبه‌شوندگان برای آن، "نقد و تحلیل" بهترین توصیفگر [1] به منزله اصطلاح رأس با فراوانی ۶ است. بنابراین چنانچه بر پایه اصطلاح رأس این گروه "تحلیل‌های شاهنامه" با فراوانی ۱۹ مورد باشد، با توجه به بسامد، به منزله تقسیم فرعی اصطلاح "اسطوره‌های شاهنامه" و نیز اصطلاح "پند و اندرزها" برای کارت‌ها در نظر گرفته شده است. البته با نگاهی به مصاحبه‌ها و نیز توزیع اصطلاح‌های به کار رفته توسط مصاحبه‌شوندگان، اصطلاح "منتخب موضوعی" به منزله اصطلاح بالادست "پندها و اندرزها" توسط ۱۱ نفر مورد اشاره قرار گرفته است. همچنین اصطلاح‌های "کارهای خاورشناسان"، "متن" و یا "نثرنویسی" نیز توسط مصاحبه‌شوندگان به کار رفته است.

[1] منظور از بهترین توصیف‌گر و یا عنوان در پیوند با هر مجموعه اصطلاحی، آن اصطلاحی است که بیشترین فراوانی کاربرد را داشته و براساس یافته‌های این پژوهش به عنوان اصطلاح پذیرفته شده نقش اصطلاح رأس و یا گره‌های زیر مجموعه آن را در ساختواره‌های درختی ایفا می‌کند.

نیز لازم به یادآوری است که با توجه به یکسان شدن محتوایی و نیز برچسبی عنوان در دو دسته دوم (تصویر ۲) و چهارم (تصویر ۴)، از رویکرد اصطلاح‌شناختی، امکان ادغام این دو گروه در یکدیگر وجود دارد.

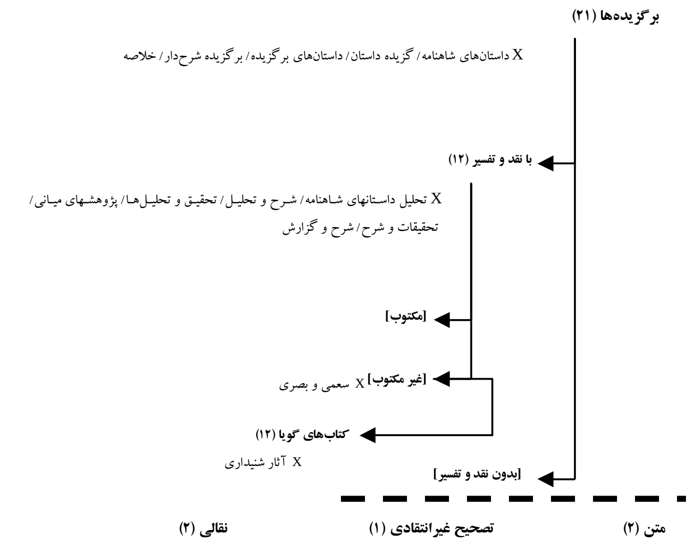


تصویر ۴. ساختواره اصطلاح‌شناختی دسته چهارم – تحلیل‌های شاهنامه

تحلیل‌های مرتبط با دسته پنجم

گروه پنجم با ۳ کارت کتابشناختی اشاره به برگزیده‌های شاهنامه دارد. در این گروه، کارت‌های کتابشناختی نه‌تنها به برگزیده بودن مدرک اشاره دارند، بلکه به ویژگی "کتاب گویا" بودن نیز اشاره می‌کنند. این در حالی است که ۲ کارت این گروه، از جهت آنکه هر یک دارای نقد و تفسیر می‌باشند، با یکدیگر مشابه هستند. مصاحبه‌شوندگان به واسطه همین ویژگی‌ها، کارت‌های این دسته را جدا از سایر برگزیده‌های شاهنامه قرار داده‌اند. با توجه به پاسخ مصاحبه‌شوندگان در پیوند با لزوم در نظر گرفتن تقسیم فرعی برای این دسته از یک سو و نیز با نگاهی به توزیع اصطلاحات به‌کار رفته توسط آنها و ویژگی‌های این گروه از دیگر سو، می‌توان ساختواره ارائه شده در تصویر ۵ را تدوین نمود.

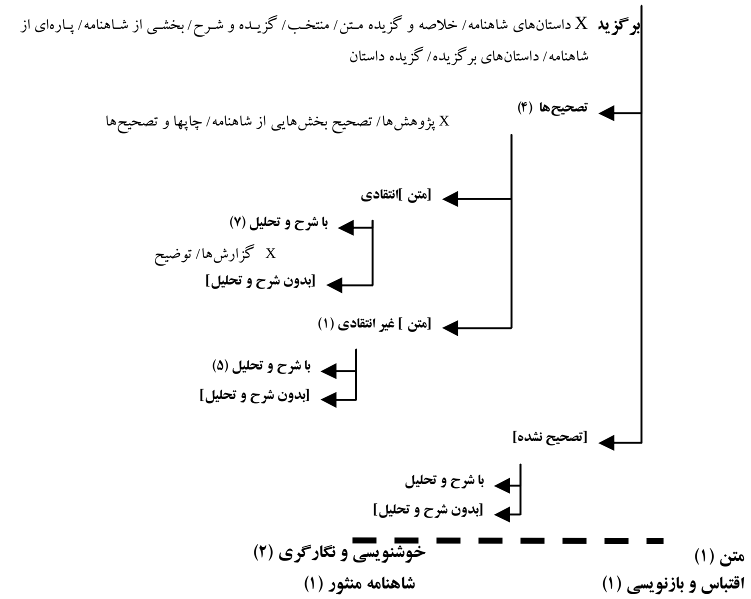
توزیع اصطلاحات مصاحبه‌شوندگان با توجه به کارت‌های این گروه حاکی از آن است که از دید آنها برگزیده‌های شاهنامه می‌توانند همچون متن‌های کامل شاهنامه همراه با نقد و تفسیر و یا بدون آن باشند.



تصویر ۵. ساختواره اصطلاح‌شناختی دسته پنجم – برگزیده‌ها

تحلیل‌های مرتبط با دسته ششم

دسته ششم با ۶ کارت کتابشناختی یکی از گروه‌های به نسبت بزرگ است. در واقع این دسته مشابه با دسته قبل به کلیه برگزیده‌هایی از شاهنامه اشاره دارد که بخشی خاص از شاهنامه –برای مثال، یک داستان و گاه چند داستان– را شامل می‌شود. به منظور انتخاب اصطلاح‌هایی که به بهترین نحو دسته و تقسیم‌های فرعی آن را توصیف کند، می‌توان به توزیع اصطلاحات به کار رفته توسط مصاحبه‌شوندگان در این گروه توجه کرد. در زمینه برگزیده‌ها و ویژگی‌های خاص این گروه از یک سو و گرایش بیشتر مصاحبه‌شوندگان (فراوانی ۱۹) به استفاده از اصطلاح "برگزیده‌ها" به منزله عنوان این گروه از دیگر سو، می‌توان ساختواره ارائه شده در تصویر ۶ را تدوین نمود. از دیگر برچسب‌هایی که توسط معدودی از مصاحبه‌شوندگان به برخی از کارت‌های کتابشناختی در داخل این گروه اختصاص یافته، می‌توان به "متن"، "اقتباس‌ها"، " خوشنویسی و نگارگری"، بازنویسی‌ها" و "شاهنامه منثور" اشاره کرد. تفاوت میان این دسته با دسته پنجم در متفاوت بودن قالب است، بنابراین با اعمال پاره‌ای تغییرات امکان ادغام این دو گروه نیز وجود دارد.

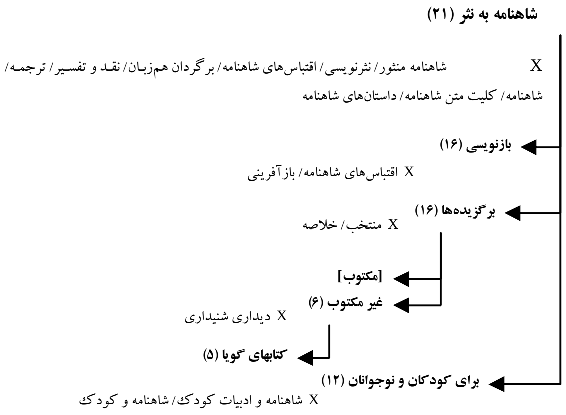


تصویر ۶. ساختواره اصطلاح شناختی دسته ششم – برگزیده‌ها

تحلیل‌های مرتبط با دسته هفتم

گروه هفتم با ۴ کارت به اقتباس‌های شاهنامه اشاره دارد. شاهنامه اثری است منظوم و بلند؛ و همین دو ویژگی باعث شده است که افراد زیادی در پی بازنویسی و یا نثرنویسی شاهنامه برآیند. در تصویر ۷، گروه هفتم با نگاهی به انواع تلاش‌های صورت گرفته برای ساده سازی شاهنامه از دیدگاهی اصطلاح شناختی با توجه به توزیع اصطلاح‌های به کار رفته توسط مصاحبه‌شوندگان به نمایش در آمده است.

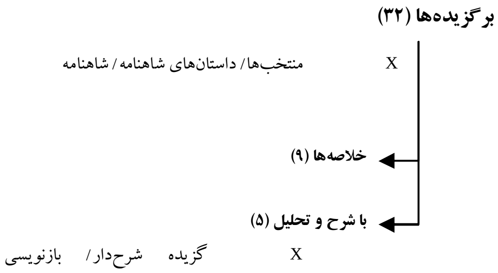
آنچه در پیوند با این ساختواره قابل توجه است، تشخیص زیرمجموعه شاهنامه‌های منثور و برگزیده است، منابعی که فقط بخشی از شاهنامه را به نثر ارائه می‌دهند. نکته قابل توجه دیگر آن است که استفاده از اصطلاح "برگزیده‌ها" با توجه به توزیع اصطلاحات به‌کار رفته توسط مصاحبه‌شوندگان در این گروه نیز غالب است. همین امر به پژوهشگر در کار تجمیع دسته‌های تشکیل شده کمک شایانی می‌کند.



تصویر ۷. ساختواره اصطلاح‌شناختی دسته هفتم – شاهنامه به نثر

تحلیل‌های مرتبط با دسته هشتم

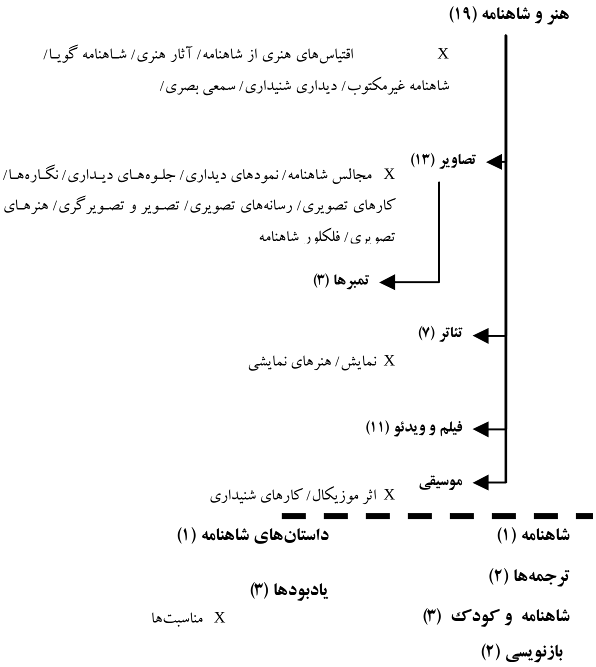
گروه هشتم، شامل ۵ کارت در اصل همانگونه که در تصویر ۸ نیز نشان داده شده است، به گروه دیگری از برگزیده‌ها تعلق دارد. اما دلیل تمایز این گروه از سایر برگزیده‌ها آن است که گروه حاضر شامل آن دسته از منابعی است که گزیده‌هایی از کل شاهنامه را ارائه می‌دهند. اصطلاح "خلاصه‌ها" با فراوانی ۱۸ مورد، یکی از پرکاربردترین اصطلاح‌هایی است که در توصیف این گروه به منزله زیرمجموعه‌ای از برگزیده‌ها توسط مصاحبه‌شوندگان مورد اشاره واقع شده است. با نگاهی به توصیف مصاحبه‌شوندگان از دسته هشتم و نیز تأکید آنها بر لزوم جداسازی دسته خلاصه‌ها و داستان‌ها به منزله تقسیم‌های فرعی برای این گروه، شایسته است دسته‌ای با عنوان "خلاصه‌ها" ذیل "برگزیده‌ها" در هشتمین گروه در نظر گرفته شود.



تصویر ۸. ساختواره اصطلاح‌شناختی دسته هشتم – برگزیده‌ها (خلاصه‌ها)

تحلیل‌های مرتبط با دسته نهم

گروه نهم با ۵ کارت، گروهی جامع است که مصاحبه‌شوندگان با اندکی عام‌نگری از آن با عنوان گروه "هنر" یاد کردند. این گروه دربرگیرنده کلیه برداشت‌های هنری متصور بر شاهنامه است.



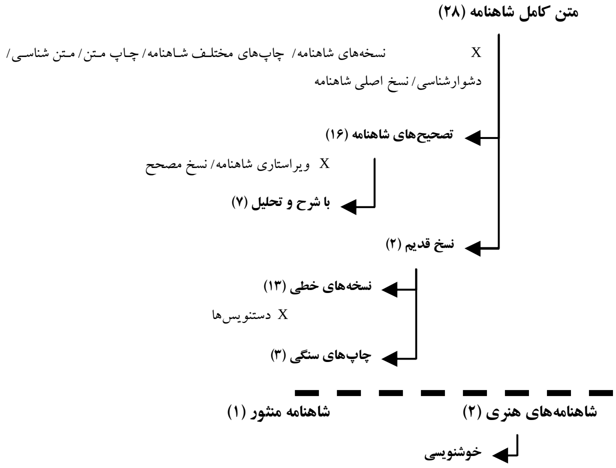
تصویر ۹. ساختواره اصطلاح‌شناختی دسته نهم – هنر و شاهنامه

با نگاهی به توزیع اصطلاح‌های مورد استفاده مصاحبه‌شوندگان در توصیف این گروه، مشخص می‌شود که عبارت "هنر و شاهنامه" با بسامد ۱۹، اصطلاحی قابل پذیرش برای توصیف این گروه است. از دیگر سو با توجه به تأکید مصاحبه‌شوندگان بر لزوم زیرمجموعه‌دارکردن این گروه به واسطه تعدد زیرگروه‌ها، اصطلاح‌های زیرمجموعه این گروه با برچسب‌هایی چون "تصاویر"، "تئاترها"، "فیلم و ویدئو" و "موسیقی" شاخه‌های این ساختواره را تشکیل می‌دهند (تصویر ۹).

تحلیل‌های مرتبط با دسته دهم

گروه دهم نیز با ۷ کارت کتابشناختی، در زمره گروه‌های بزرگ این دسته‌بندی قرار دارد. این دسته به مجموعه منابعی اشاره دارد که متن کامل شاهنامه را در بر می‌گیرند. با نگاهی به توزیع اصطلاحات مورد

استفاده مصاحبه‌شوندگان در پیوند با این گروه، می‌توان به وضوح به اهمیت توجه به تصحیح‌های شاهنامه پی‌برد. عبارت "تصحیح‌های شاهنامه" با فراوانی ۱۶، جزو زیرمجموعه این گروه می‌باشد. این در حالی است که طی مصاحبه‌ها مطرح گردید که روی نسخه‌های قدیمی شامل نسخه‌های خطی و یا چاپ‌های سنگی، معمولاً تصحیح و یا ویرایشی صورت نگرفته است. با توجه به اینکه ۱۳ نفر از مصاحبه‌شوندگان بر لزوم استفاده از عبارت "نسخه‌های خطی" اشاره کرده و نیز با توجه به اینکه عبارت "چاپ‌های سنگی" نیز توسط برخی از همین مصاحبه‌شوندگان مورد تأیید واقع شده است، زیرمجموعه نسخ قدیم با دو زیرشاخه قابل تدوین است.



تصویر ۱۰. ساختواره اصطلاح شناختی دسته دهم – متن کامل شاهنامه

تحلیل‌های مرتبط با دسته یازدهم

گروه یازدهم شامل ۱ کارت به نقشه‌های جغرافیایی شاهنامه اشاره دارد. با نگاهی به توزیع اصطلاحات به کار رفته توسط مصاحبه‌شوندگان جغرافیای شاهنامه با فراوانی ۱۴، پرکاربردترین اصطلاح است و پس از آن اصطلاح‌های دیگر که در تصویر ۱۱ ذیل آن (پس از نشانه X) آورده شده است، مورد اشاره برخی دیگر از مصاحبه‌شوندگان قرار گرفته است. به نظر، بهترین واژه توصیفگر برای چنین منبعی "نقشه" و یا "جغرافیا" است که با توجه به بسامد، عنوان "جغرافیای شاهنامه" در میان پژوهشگران این حوزه مصطلح‌تر و یا مفهوم‌تر است. این درحالی است که دو نفر از مصاحبه‌شوندگان امکان دسته‌بندی این مدرک با منابع مرجع و دو نفر دیگر امکان دسته‌بندی این مدرک با پژوهش‌ها و یا تحقیق‌های شاهنامه را مد نظر قرار دادند.

جغرافیای شاهنامه (۳۴)

X اعلام جغرافیایی/ مکان‌های جغرافیایی/ اطلاعات جغرافیایی/ کارهای تصویری شاهنامه/ نقشه‌های جغرافیایی/ نمودهای دیداری/ شاهنامه غیرمکتوب/ دیداری شنیداری/ کارهای هنری/ جنبه‌های هنری/ شرح‌های شاهنامه

- - - - - - - - - -

منابع مرجع (۲)

تحقیق‌ها و تحلیل‌های شاهنامه (۲)

X پژوهش‌های شاهنامه

تصویر ۱۱. ساختواره اصطلاح‌شناختی دسته یازدهم – جغرافیای شاهنامه

با نگاهی به تصاویر ۱ تا ۱۱ می‌توان به چند نکته مهم پی‌برد. یکی از این نکات، قابلیت ادغام و یکپارچه‌سازی درختواره‌های تشکیل شده است. به‌طوری که به راحتی با تطابق گروه‌های همسان، بر یکدیگر و نیز استفاده از سلسه مراتب مطرح شده در الگوی ملزومات کارکردی، ساختواره ارائه شده در پیوست ۱[۱] تشکیل می‌شود. لازم به توضیح است در تدوین این درختواره کتابشناختی به منظور کنترل حجم، از ارائه مجدد اصطلاحات با بسامد کمتر که در تصاویر پیشین پس از علامت "X" و یا در برخی تصاویر مانند تصویر ۱۱، زیر نقطه‌چین ظاهر شده‌اند خودداری شده است. همچنین باید یادآوری کرد که به واسطه طولانی بودن، این درختواره در ۴ برگ متصل به یکدیگر (هر دو برگ در یک صفحه) تدوین شده است.

جمع‌بندی حاصل از تحلیل گروه‌های مختلف

کلیت درختواره تشکیل شده برای خانواده کتابشناختی شاهنامه، به وضوح نشان از ویژگی ماهوی این خانواده کتابشناختی دارد. به بیان بهتر، برخی از زیرگونه‌های موجودیت‌های مختلف کتابشناختی که در درختواره شاهنامه قابل مشاهده است، به احتمال قوی برای سایر آثار (مثلاً قرآن) قابل تعریف نیستند (ارسطوپور، ۱۳۸۹ب). به عنوان نمونه برای اثری مانند قرآن، نمی‌توان آثار تقلیدی و یا طنز و هزل را متصور بود. بنابراین، انتظار می‌رود در پیاده‌سازی الگوی ملزومات کارکردی، برای خانواده‌های کتابشناختی مختلف ساختواره‌هایی جداگانه طراحی کرد. این در حالی است که با نگاهی به نظام‌های کنونی همچون Worldcat، FRBR Display tool، VTLS و یا Fiction Finder، رویکرد غالب نگرش

---

[۱] . لازم به توضیح است این درختواره به منظور حفظ انسجام متن به قسمت پیوست این نوشتار منتقل شده است.

همسان و قالبی به نمایش روابط میان موجودیت‌های کتابشناختی است. نکته جالب توجه دیگر در مصاحبه با صاحب نظران شاهنامه‌پژوه آن است که در مصاحبه‌ها به وضوح می‌توان توجه به سه موجودیت اثر، بیان و قالب را مشاهده نمود. این درحالی است که در کارت‌های کتابشناختی که بازنمون کننده ویژگی‌های موجودیت "مدرک" بود، مصاحبه‌شوندگان در پی ویژگی‌های سه موجودیت دیگر بودند. چنین بازخوردی از مصاحبه‌شوندگان مشخصاً به این معناست که آنها در دسته‌بندی خانواده کتابشناختی به عنوان یک کلیت، تنها به سه موجودیت اول جهان کتابشناختی در الگوی ملزومات کارکردی توجه می‌کنند.

به بیان بهتر، در تدوین ساختواره‌های کتابشناختی برای دسته‌بندی و نمایش آثار مرتبط بهم در یک خانواده، بایستی مصادیق سه موجودیت اثر، بیان و قالب را همانگونه که در پیوست ۱ به نمایش در آمده است در نظر گرفت. بدیهی است موجودیت "مدرک" با توجه به مشخصه‌های آن که در پیشینه کتابشناختی ثبت می‌شود بیشتر مورد توجه و استفاده کاربران کتابدار می‌باشد.

برای کسب اطمینان از درستی و منطق اطلاعات به دست آمده، ۵ نشست با ۵ نفر از برجسته‌ترین اساتید[1] در حوزه کتابشناسی و نیز شاهنامه‌پژوهی صورت گرفت و ساختواره نهایی بر مبنای نظرات اصلاحی آنها، اصلاح و تکمیل گردید که تصویر ارائه شده در پیوست ۱ این اصلاحات را نیز دربر می‌گیرد.

سخن پایانی

در طول یک دهه اخیر تلاش‌های زیادی صورت گرفته تا ساختار فهرست‌های رایانه‌ای با نیازها و سلائق کاربران در جستجو، بازیابی و نمایش اطلاعات کتابشناختی همخوانی بیشتری پیدا کند. رویکردهای نو بیشتر بر این نکته تأکید دارند که نمایش اطلاعات کتابشناختی آثار مرتبط بهم (خانواده‌های کتابشناختی) باید تصویر روشن‌تری از ارتباط میان آثار وابسته را ارائه دهد. چنین رویکردی در نهایت موجب فهم بهتر جهان کتابشناختی از سوی کاربران می‌گردد.

همانگونه که پیشتر نیز بیان شد، استفاده از نظر کاربران بالقوه فهرست‌های رایانه‌ای، به ویژه، افراد صاحب‌نظر در حوزه خانواده‌های کتابشناختی کمک بسیاری به روند پیاده‌سازی الگوی ملزومات

[1]. این ۵ نفر عبارت بودند از دکتر ابوالقاسم رادفر(مدیر پژوهشکده ادبیات- پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، پوراندخت سلطانی (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران)، کامران فانی (بنیاد دایره‌المعارف بزرگ اسلامی)، محمد وفادارمرادی(اداره مخطوطات- آستان قدس رضوی) و دکتر محمدجعفر یاحقی (دانشگاه فردوسی مشهد).

کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی در راستای گردآوری، دسته‌بندی و نمایش اعضای خانواده کتابشناختی خواهد کرد. این رویکرد می‌تواند، به جای نمایش اطلاعات پراکنده، دانش درباره یک خانواده از آثار مرتبط بهم را برای کاربران ارائه دهد و نهایتاً تصویر بهتر و جامع‌تری از جهان کتابشناختی را به نمایش گذارد(Fattahi, 2010). همچنین، اصطلاح‌های شناسایی شده برای هر دسته از موجودیت‌های مرتبط بهم می‌تواند در بازنگری قواعد فهرستنویسی مورد توجه قرار گیرد.

در این پژوهش، ابزار پژوهش، یعنی کارت‌های کتابشناختی، مشخصاً بازتابی از موجودیت‌های الگوی ملزومات کارکردی (FRBR) بود. این درحالی است که دسته‌بندی مصاحبه‌شوندگان روی این کارت‌ها، اگرچه با الگو همسوست اما در عمل با مصادیق هر یک از موجودیت‌ها سروکار دارد.

بنابراین، با نگاهی به نحوه دسته‌بندی مصاحبه‌شوندگان روی خانواده کتابشناختی شاهنامه به منزله یک مورد، می‌توان به این نتیجه رسید که اگرچه مصاحبه‌شوندگان به صورت منطقی از موجودیت‌های کلان و انتزاعی الگو تبعیت می‌کنند، اما در عمل به منظور اعمال نظم جزئی‌تر، از مصادیق هر یک از موجودیت-های مطرح در الگو به عنوان گره درختواره خود استفاده می‌کنند. همین عینی نگری، در اصطلاح‌های به کار رفته توسط آنها برای برچسب‌گذاری هریک از شاخه‌ها و زیرشاخه‌های تشکیل شده نیز قابل مشاهده است.

در نهایت درختواره حاصل از این مطالعه و بررسی‌های مشابه، به تشکیل شبکه‌ای با قابلیت پیمایش بهتر کمک می‌کند، شبکه‌ای که اصطلاح به کار رفته برای هر یک از گره‌های آن، برای کاربر مفهوم بوده و فرد به راحتی می‌تواند از آن در جهت گروه‌بندی انواع منابع مرتبط با یکدیگر و انتخاب آن دسته از منابع دلخواه استفاده کند.

به بیان دیگر، درختواره حاصل از تحلیل خانواده کتابشناختی یکی از گزینه‌های مناسب جهت پیاده‌سازی الگوی ملزومات کارکردی در فهرست‌های رایانه‌ای بوده و به کارکرد پیمایش مطرح در بیانیه قواعد فهرست نویسی بین‌المللی (Statement of International…, 2009) کمک زیادی می‌کند. همانگونه که سونونیوس(Svenonius, 2000) نیز بیان می دارد، چنین درختواره‌ای منطقاً در گردهم‌آوری مؤثرتر و مناسب‌تر آثار مرتبط بهم اثربخش است.

علیرغم توجه صاحب‌نظرانی همچون سونونیوس به رویکرد درختواره‌ای و سلسله مراتبی، لازم است به این نکته نیز توجه داشت که نظام‌های کنونی قادرند به ارائه ساختواره‌های دیگری همچون ساختواره‌های شبکه‌ای و گراف‌های مبتنی بر هستی‌شناسی بپردازند. بنابراین، پژوهش حاضر در پی اثبات برتری

ساختواره درختی نمی‌باشد و تأیید و انتخاب بهترین نحوه نمایش همچنان می‌تواند موضوع پژوهش‌های دیگری قرار گیرد. فارغ از نحوه نمایش، عمده‌ترین مزیت پیاده‌سازی این رویکرد، آن است که در عین توجه علمی و عملی به الگو، با استفاده از ساختار ذهنی کاربران بالقوه و نیز اصطلاح‌هایی که بیش از سایرین برای کاربران مانوس است و فهرست طراحی شده بر مبنای الگو، از کاربرپسندی بیشتری برخوردار خواهد بود.

در این راستا اصطلاح‌های پیشنهاد شده در درختواره و نیز نحوه تنظیم گره‌ها در کنار یکدیگر، که در واقع حاصل کار این پژوهش است، به پیشنهاد صاحب‌نظران این حوزه بوده و استفاده از دستاوردهای این پژوهش در این زمینه می‌تواند به کاربرپسندی هرچه بیشتر نظام بازطراحی شده بر مبنای الگوی ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی کمک کند.

کتابنامه

ارسطوپور، شعله (۱۳۸۹الف). انطباق فهرستهای رایانه‌ای بر مدل ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی (FRBR): دو رویکرد عملیاتی. در «*سازماندهی اطلاعات: رویکردها و راهکارهای نوین: مجموعه مقالات اولین همایش سالانه انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران ۱۶ و ۱۷ اسفند ۱۳۸۵*» به کوشش داریوش علی‌محمدی و محسن حاجی زین العابدینی. تهران: کتابدار.

ارسطوپور، شعله (۱۳۸۹ ب). *بررسی میزان انطباق ساختار مارک ایران بر الگوی ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی (FRBR) و نگاه کاربران فهرست‌های رایانه‌ای به موجودیت‌های مطرح در این الگو*. پایان‌نامه دکترا، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.

سفیری، خدیجه (۱۳۸۷). *روشهای پژوهش کیفی در علوم اجتماعی*. تهران: پیام پویا.

فتاحی، رحمت‌الله (۱۳۷۹). رویکردهای نو به ساختار پیشینه‌های کتابشناختی و نمایش آثار در فهرستهای گرافیکی با استفاده از فناوری فرامتنی. در *فهرستهای رایانه‌ای: کاربرد و توسعه، مجموعه مقالات همایش کاربرد و توسعه فهرستهای رایانه‌ای در کتابخانه های ایران، ۲۷ و ۲۸ آبان ۱۳۷۸*. (ص. ۳۶۷ – ۳۵۳). تهران: مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد؛ مرکز اطلاع رسانی و خدمات علمی وزارت جهاد سازندگی.

فلیک، یو (۱۳۸۲). *درآمدی بر پژوهش‌های کیفی در علوم انسانی*. (عبدالرسول جمشیدیان، علی سیادت و رضاعلی نوروزی، مترجمان). قم: سماءقلم.

Andersen, J. (2002). Materiality of Works: The Bibliographic Record as Text". *Cataloging & Classification Quarterly*. 33 (3/4): 39 – 65.

Carlyle, A. (1996). Ordering Author and Work Records: An Evaluation of Collocation in Online Catalog Displays. *Journal of the American Society for Information Science*, 47(7): 538 – 554.

Carlyle, A. (1997). Fulfilling the Second Objective in the Online Catalog: Schemes for Organizing Author and Work Records in to Usable Displays. *Library Resources & Technical Services,* 41(2): 79 – 100.

Delsey, T. (2002). *Functional analysis of the MARC 21 bibliographic and holdings formats*. Washington: Library of Congress. Retrieved 2009-02-21 from http://www.loc.gov/marc/marc-functional-analysis/home.html.

Dickey, T. (2008). FRBRization of a Library Catalog: Better Collocation of Records, Leading to Enhanced Search, Retrieval, and Display. *Information Technology and Libraries.* March: 23 -32.

Fattahi, R. (1996). Super Records: And Approach Towards the Description of Works Appearing in Various Manifestations. *Library Review*, 45 (4): 19 – 29.

Fattahi, R. (2010). *From Information to Knowledge: Super-Works and the Challenges in the Organization and Representation of the Bibliographic Universe*. Firenze: Casalini Libri.

Gorman, M. (2004). Authority Control in the Context of Bibliographic Control in Electronic Environment. *Cataloging & Classification Quarterly*, 38 (3/4): 11 – 22.

Hagler, R. (1997[a]). *The Bibliographic Record and Information Technology*. Chicago: American Library Association.

Hagler, R. (1997[b]). Access Points for Works. In *International Conference on Principles and Future Developments of AACR, Toronto, Canada, October, 23 – 25*. (Online) Available at: http://www.collectionscanada.ca/jsc/intlconf1.html

Statement of International Cataloging Principles (2009). Retrieved 2011-05-25 From http://www.ifla.org/files/cataloguing/icp/icp_2009-en.pdf

Svenonius, E. (2000). *The Intellectual Foundation of Information Organization.* Cambridge, MIT Press.

Vellucci, Sh. (1997). "Bibliographic Relationships". In *International Conference on Principles and Future Developments of AACR, Toronto, Canada, October, 23 – 25.* Retrieved 2008-12-28 from http://www.collectionscanada.ca/jsc/intlconf1.html

Yee, M. (1994). What is a Work? Part 2: The Angelo-American Cataloging Codes.

Cataloging & Classification Quarterly, 19 (2): 5 – 22.

Yee, M. (1995). What is a Work? Part 4: Cataloging Theorists and a Definition Abstract. *Cataloging & Classification Quarterly*, 20 (2): 3 – 24.

Yee, M. (1997). What is a Work?. In *International Conference on Principles and Future Developments of AACR, Toronto, Canada, October, 23 – 25.* Retrieved 2008-12-28 from http://www.collectionscanada.ca/jsc/intlconf1.html

Yee, M. (2005). FRBRization: A Method for Turning Online Public Catalogs. *Information Technology and Libraries*, June: 77 – 95.